



## پهلوان خانه‌های پایتخت

نهمین تور تهرانگردی همشهری به زورخانه‌های قدیمی و پراوازه تهران اختصاص داشت

۱۸

یکشنبه ۲۴ دیهشت ۱۴۰۲ | ۲۳ شوال ۱۴۴۴ | سال سی‌و یکم | شماره ۱۸۷۷۱

# همیشه‌ی تهران



سال تاسیس: ۱۳۸۹  
نشانی: خیابان آزادی، خیابان یهودی  
پهلوان شاخص: محمود نامجو و محمد رضا طالقانی

## مردان آتش در گود جوانمردی

اولین ایستگاه نهمین تور تهران شناسی همشهری، زورخانه پیشکسوتان آتش نشانی بود

مژگان مهرابی  
روزنامه‌نگار

گود زورخانه خاصیت عجیبی دارد. بیشتر به کلاس درس می‌ماند. آدم‌هایی که وارد گود می‌شوند قبل از ورزش رسم معرفت و جوانمردی را می‌آموزند. وقتی هم خاک گود زورخانه را خوردند، لقب پهلوانی را از آن خود می‌کنند. پایتخت کم ندارد از این پهلوان‌های گمنامی که دلشان برای مردم می‌تپد و زندگی و وقت خود را وقف خدمت به دیگران کرده‌اند. به مناسبت روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه مرکز تهران شناسی همشهری، نهمین تور تهران‌گردی خود را با محوریت بازدید از زورخانه‌های تأثیرگذار شهر برگزار کرد که نخستین ایستگاهش زورخانه شهدای آتش‌نشانی (محمود نامجو) بود. جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی، حجت‌الاسلام حسین کاظم‌زاده عضو خانه طلاب جوان، نصرالله حدادی تهران‌شناس و جمعی از علاقه‌مندان به حوزه گردشگری در این سفر یک روزه همراهی مان کردند.

زورخانه شهدای آتش‌نشانی نخستین جایی است که برای بازدید می‌رویم؛ فضایی ورزشی در دل مهم‌ترین مرکز آتش‌نشانی شهر. از زمان ساختن مدت زیادی نمی‌گذرد و طبق تاریخی که روی تابلوی بالای سردر آن نوشته شده،

قدمت آن به سال ۱۳۸۹ برمی‌گردد. به‌رغم جوان بودن، زورخانه فضای معنوی دارد. این را با قدم گذاشتن در آن به خوبی می‌توان حس کرد. دلپیش هم برکت نام شهدای آتش‌نشانی است که روزی در این زورخانه ورزش می‌کردند. برای ورود به آنجا باید سسر را خم کرد. این از آداب زورخانه است و نشان از احترام و ادب دارد.

خانه پهلوانان، پناهگاه مردم دور تا دور فضای زورخانه تصویر پهلوان‌های ایرانی نصب شده است؛ از غلامرضا تختی و امیر سلیمانی تا محمدصادق بلورفروش و سیدحسن رزاق؛ آدم‌هایی که روزی در دل این شهر بزرگ زندگی می‌کردند و خانه هر کدامشان برای مردم پناهگاه امن بوده است. بالای در ورودی تابلوی بزرگی از عکس شهید آتش‌نشان نصب شده است؛ همه‌شان

جوان و برومند. شاید باستانی کار حرف‌های نبودند اما باید گفت تک‌تک‌شان پهلوان‌هایی بودند که با رفتنشان برای همیشه جاودانه شدند.

منش پهلوانی در ذات آتش‌نشان‌هاست گود زورخانه برای کسانی که باستانی کار هستند، مکان مقدسی است که هیچ‌کدام بدون طهارت جسم و روح قدم به آن نمی‌گذارند. در اینجا ذکر یا علی(ع) و یا محمد(ص) ورد زبان باستانی کارهاست و همین زورخانه را عطرآگین می‌کند به نام اهل‌بیت(ع). جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی که خود از باستانی کارهای قدیمی این زورخانه است می‌گوید: «منش پهلوانی در ذات خود آتش‌نشان‌هاست. کسی که بتواند از جان خود بگذرد و بیه دیگران کمک کند یعنی پهلوانی. شهدایی که عکس‌شان در اینجا دیده

می‌شود به نوعی همه پهلوان هستند.» ملکی در ادامه به سختی کارشان اشاره می‌کند و اینکه آتش‌نشان‌ها باید بدنی ورزیده داشته باشند؛ «ورزش لازمه برنامه کاری ماست. آتش‌نشان لباسی می‌پوشد که ۱۲- ۱۰ کیلو وزن دارد. حین حادثه باید یک فرد دیگر را روی دوش بگیرد و از مهلکه نجات دهد. ششما تصور کنید در آپارتمانی چند طبقه که حریق رخ داده و آسانسور قطع شده آتش‌نشان باید از پله استفاده کند و چندین بار بالا و پایین برود. اگر ورزیده نباشد مطمئن‌نمی‌تواند برای نجات دیگران اقدام کند.»

اینجا خبری از برد و باخت نیست بعد از صحبت‌های ملکی، نوبت به تهران‌شناس برنامه می‌رسد. حدادی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. از قداست زورخانه و اینکه برای خود باستانی کارها به مثابه مسجد است. او

### نخستین پهلوان آتش‌نشانی

مکت

پهلوان محمود نامجو، اسطوره‌ای که ۲۲ بار پیروزی را تجربه کرد، از آتش‌نشان‌های قدیمی شهر بود که در سال ۱۳۶۸ برابر با بیماری دارفانی را وداع گفت. بدون نامش بر سردر زورخانه شهدای آتش‌نشان خبر از ارادت آتش‌نشان‌ها به این پهلوان است. نامجو در دهه ۴۰ تا ۴۰ خود یکی از آتش‌نشان‌های زنده شهر بود که امروز به واسطه خدمت‌رسانی‌هایش، مردم نام او را با افتخار بر زبان می‌آورند. پهلوان نامجو در سال ۱۳۹۷ شهر رشت به دنیا آمد. او در ۸ سالگی در مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کشور حضور یافت و موفق شد به مقام قهرمانی دست یابد. استعداد بالای او در ورزش زورخانه‌ای باعث شد این مرد جوان به یک چهره شناخته‌شده در میان پهلوانان تبدیل شود و هنوز پشت‌لبش سبزه شده بود که صاحب‌زنگ در زورخانه شد؛ به‌گونه‌ای که مرشدهای رشت برایش سنگ تمام می‌گذاشتند. پهلوان نامجو برای کار و ادامه ورزش، به تهران آمد و با ورزش‌پرنداری آشنا شد و به این ورزش پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ در مسابقه قهرمانی کشور در وزن ۶۰ کیلوگرم توانست نخستین مدال طلا را از آن خود کند. طلای قاهره ۱۹۴۷، پنجم المپیک ۱۹۴۸ لندن، طلای جهانی ۱۹۴۹ لاهه، طلای جهانی ۱۹۵۱ پاریس، طلای جهانی ۱۹۵۱ میلان، طلای آسیای ۱۹۵۱ دهلی، نقره المپیک ۱۹۵۲ هلسنکی، نقره جهانی ۱۹۵۴ وین، برنز جهانی ۱۹۵۵ مونخ، برنز المپیک ۱۹۵۶ میلورن، برنز جهانی ۱۹۵۷ تهران، نقره آسیای ۱۹۵۷ تهران و نقره بازی‌های آسیای ۱۹۵۸ توکیو از جمله موفقیت‌هایی است که در کارنامه ورزشی خود دارد.

### محل شهادت: خیابان بهار

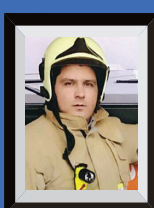
#### با نیروهای رفیق بود

از زمان شهادت رضا دارابی مدت زیادی نمی‌گذرد؛ همان مرد از خود گذشته‌ای که رئیس ایستگاه ۱۲۰ آتش‌نشانی بود و برای اطفای حریق ساختمان‌های در خیابان بهار اقدام کرد. رضا را همه آتش‌نشان‌ها به شجاعت و تترس بودن می‌شناختند. او فقط به نجات هموعانش فکر می‌کرد. فریدون فرخ از دوستان و همکاران او می‌گوید:

«شهید دارابی با تدبیری که از خود نشان داد، نگذاشت آتش به طبقات بالاتر برسد و گر نه تلفات جانی زیاد بود. اگر اقدام به‌موقع او نبود ممکن بود حادثه پلاسکو تکرار شود. رضا اخلاق خاصی داشت. همیشه قبل از همه خود را به محل حادثه می‌رساند. خیلی به شرایط زندگی دوستانش اهمیت می‌داد. کافی بود متوجه شود کسی از ما گرفتاری دارد سریع برای رفع آن دست به کار می‌شد.» یکی دیگر از دوستانش تعریف می‌کند: «رضا همانقدر که با بچه‌ها و نیروهایش رفیق بود به همان اندازه به انجام درست کار اهمیت می‌داد؛ اینکه بچه‌های آتش‌نشان خوب از پس مسئولیت‌شان برآیند. او یک تکه کلام داشت همیشه می‌گفت با شکستن پای دیگران بهتر راه نمی‌رویم. خدا باید بخواهد.»

### محل شهادت: ساختمان پلاسکو

#### فرماندهی که جانش را به خطر انداخت



ناصر مهرورز از شهدای آتش‌نشانی است که در حادثه پلاسکو جان خود را فدا کرد. او رفت تا دیگر هموطنانش زنده بمانند؛ جوانی غیور که همیشه نخستین نفر به دل حادثه می‌زد. فیروز، برادر بزرگ‌تر او نیز آتش‌نشان است. درباره برادرش می‌گوید: «ناصر، آقا بود. در محله ناصر را به ورزشکار بودنش می‌شناختند. در مسابقه قوی‌ترین مردان ایران، مدال گرفت. دیگر نگذاشتیم برود تر سیدم آسیب ببیند. کشتی می‌گرفت. خیلی ورزیده بود. اخلاق پهلوانی داشت. بدی‌ها را نمی‌دید و فقط نیتش برای دیگران خیر بود.» ناصر عادت نداشت بدی‌ها را ببیند. مهربانی و حسن خلقش بایزاد دوست و آشنا بود. حسن انسان دوستی‌اش باعث شد که عضو نیروی آتش‌نشانی شود. فیروز خاطره‌ای از حسن یزدانی، ورزشکار نامی کشورمان درباره برادرش تعریف می‌کند: «یزدانی در محفلی من را دید و گفت ششما یک جهان پهلوان از دست داد. او فرمانده قابلی بود. افتخارش جاودانه خواهد ماند؛ فرمانده‌ای که همه نیروهایش سالم برمی‌گردند و خودش شهید می‌شود.»

## باشکوه‌ترین زورخانه تهران

سال‌هاست صدای مرشد در بانگ ملی خیابان فردوسی طنین می‌اندازد

۲۰



### دریچه

#### پهلوانان نامی ۲۰۰ سال اخیر

قصه پهلوانان این سرزمین، سرگذشت دور و درازی دارد و نام‌آورانش بسیاری‌اند. در این ستون فقط به معرفی کوتاه برخی اکتفا کرده‌ایم.

### سرآمد پهلوانان

۷۵۰ شمسی

محمود خوارزمی مشهور به یور یای ولی در دستگیری از نیازمندان و چشم‌پسندن پرزق و برق دنیا به معرفت بالایی و رسیدن بود. ۱۰۰۰ فرمان مشهور جوانمردی‌او، جزو اصول باستانی و سرلوحه پهلوانان است.

### یزدی بزرگ

۱۳۰۸ شمسی

پهلوان ابرهیم حلاج یزدی، معروف به پهلوان یزدی بزرگ در این سال به دنیا آمد. روزی در کشتی با پهلوانی به نام سیدمحمد سعادت سید پیروز میدان، اما به احترام سادات، سید محمد را پیروز میدان اعلام کرد.

### مأمور مراجع

۱۳۵۷ شمسی

سیدحسن شجاعت معروف به پهلوان حسین‌رزاق در این سال به دنیا آمد. او پس از ترور ناصرالدین شاه، مأمور رساندن حکم عملی دینی نجف‌کهرای جلوگیری از زیاده‌طلبی روس‌ها و انگلیس‌ها صادر شد، بود.

### احترام به سادات

۱۳۶۳ شمسی

محمدصادق بلورفروش ۱۵ساله بود که ورزش باستانی را زیر نظر سیدعلی مسجد حوضی و میرزا باقر آغاز کرد. او با سادات کشتی‌نمی‌گرفت و این کار را بی‌احترامی به اولاد پیامبر(ص) می‌دانست.

### حامی نیازمندان

۱۳۸۵ شمسی

سیدعلی حق‌شناس کسب، معروف به سیدمحمد فرزندی و روحانی و مدرس سرشناس حوزه در این سال به دنیا آمد. او با همراهی تعدادی از کسبه و اهالی محصل درازالیه دولت فعلی برای حل و فصل مشکلات اهالی و نیازمندان راه‌اندازی کرد.

### نخستین بازوبند

۱۳۰۰ شمسی

پهلوان مصطفی طوسی پس از ۱۳ بار تری در مسابقه‌های کشتی پهلوانی در دهه ۲۰ نخستین بازوبند پهلوانی را از آن خود کرد. طوسی مقرری پهلوانی خود را در راه کارهای خیریه خرج می‌کرد.

### جهان پهلوان

۱۳۰۹ شمسی

پنجم شهرریور سال ۱۳۰۹ بود که جهان پهلوان تختی به دنیا آمد. تختی ۳ سال متوالی صاحب بازوبند پهلوانی شد.

روایت گردشگران

حسین کاظم‌زاده عضو خانه طلاب جوان

## یک ورزش اصیل ایرانی

ورزش پهلوانی در فرهنگ و آیین مردم ما از ویژگی‌هایی منحصر به فرد برخوردار است که آن را از بقیه ورزش‌ها متمایز می‌سازد. در یک خط، دنیا و آخرت، خدا و مردم، ذکر و خدمت، ادب و معرفت در این فناوری فرهنگی با هم جمع شده است و جادار دلسوزان این کشور، آستین همت بالا بزنند و از سر دغدغه‌احیای هر چه بیشتر این ورزش را دنبال کنند.

ذکر دسته‌جمعی در گود

در این ورزش، آمادگی جسمانی در اوج قرار دارد. علاوه بر هارمونی و نظم ویژه این ورزش که اوج هیجان و نشاط را برای اهلیش به‌دنبال می‌آورد، ذکر دسته‌جمعی در وسط گود و به مدد مرشد و ضربش، جسم را دوچندان حال می‌آورد. به قول خود پهلوان‌ها در خانه به زحمت شاید ۲۰ شنا برویم اما اینجا به مدد نام‌امیرالمومنین و نفس گرم بقیه پهلوان‌ها و مرشد، تا ۲۰۰ شنا رفتن هم کار ساده‌ای است.

نمادی از قتلگاه امام

گود زورخانه که نمادی از گودی قتلگاه امام حسین(ع) است، تقدس و احترام ویژه‌ای داشته و آداب به‌خصوص خود را دارد. به هیچ‌عنوان کسی حق ندارد بدون لباس پهلوانی وارد آن شود؛ لباسی که در نگاهش چیزی شبیه به حوله احرام حاجیان مکه است که بدون آن حق ورود در حریم حرم، وجود ندارد.

خط قرمز ورزش پهلوانی

اینجا بی‌ادبی به بزرگ‌تر، خط قرمز ورزش است؛ احترام به مرشد که بدون اذن او حق ورود به گود را نداردی و برای خروج هم نیاز به رخصت او خواهی داشت. خروجی تربیتی این سیستم فرهنگی، انسان‌های مبادی‌آدابی می‌شود که برای همه چیز و همه کس احترام قائل هستند.

حرمت نان و نمک

نان و نمک در فرهنگ پهلوانی، احترام ویژه دارد؛ احترامی که رابطه میان انسان‌ها را مملو از معرفت و صفا و صمیمیت می‌کند. خوردن نان و نمک کسی، نزد اهل گود در حکم خواندن صیغه برادری با اوست. گویا خود را تا بدین طرف می‌بیند و او را در محیط امن و آمان خود قرار می‌دهند. چه بسیار خون‌ها که بابت احترام همین نان و نمک، جلوی ریخته‌شدن آن گرفته شد.

آرزوی خدمت به مردم

در این زورخانه‌ها اتصال و ارتباط با مردم و مشکلات آنها با الگوگرفتن از سنت و سیره امیرالمومنین، رزق جاری است و مفهوم پهلوانی با خدمت به خلق‌الله که در نگاه سنت پهلوانی، عیال‌خوانند محسوب می‌شوند، گره می‌خورد. پهلوان منصور آیینی‌چی که عصری در محله شاپور و در زورخانه نیرشادی، میان اهل محل و پهلوان‌ها، محور است، تعریف می‌کرد که این زورخانه محل تربیت انسان‌های ساخته‌شده‌ای بود که خدمت به مردم آرزوی آنها بود؛ مردمی که شاید همه از آنها فرار می‌کنند ولی آنها با دست خود طعم در دهان‌شان می‌گذاشتند.

یک آیین تاریخی

سنت گل‌ریزان که آیین تاریخی این جریان جوانمردی است، شهادی دیگر برای اتصال این فرهنگ به خدمت به مردم است. سرتاسر زورخانه و آداب آن، مزوج با ذکر و دعااست. دعاکردن در انتهای ورزش از روزگار باستان در فرهنگ ایرانی‌ها بوده و بعد از اسلام هم به نحو معناداری ارتقا پیدا کرده است.

عشق به مولای(ع)

عشق، معروف به مولای(ع) مرشد که خود از پهلوانان است و خاک صحنه به‌اصطلاح خورده، ضرب و زنگ و از همه مهم‌تر صدای خوشی دارد که به ضمیمه عشق به مولای(ع)، معجون جذابی می‌سازد که روح را صیقل می‌دهد. شهرهایش از عمق وجودش خواننده می‌شود، تمام حساسه و عشق است. ریتم و آهنگ موزونی دارد. با صدای زنگ حرکات ورزشی تغییر پیدا می‌کند و بر لب همه دائم ذکر و صلوات ورد شده است. اصلا احساس ملال و خستگی هم به کسی دست نمی‌دهد.

یاتوق مبارزان ظلم‌ستیز

همانطور که اهل تحقیق اشاره کرده‌اند این ورزش اصالتاً ایرانی است و از تاریخ برای ما به یادگار مانده است. زورخانه‌ها در تاریخ ایران، اماکنی برای مبارزه علیه ظلم و ستم حاکمان وقت هم بوده و اساسا بسیاری از آلات ورزش پهلوانی الهام گرفته از ابزار حرب و جنگ است. ایرانیان در پناه برخی احکام و قوانین اسلام مثل سب و رمایه که احکامی در باب جهاد و مبارزه با کفار است، به احیای مجدد ورزش‌های باستانی خود مثل اسب‌سواری و تیراندازی و تیراندازی پرداختند. همچنین زورخانه‌های متعددی را در مکان‌های دورافتاده و مخفیگاه‌ها دایر کردند و با یاری عیاران که شیعی مذهب و از اهل اخوت و فتوت بودند، این اماکن را محلی برای تربیت سلحشوران عرصه‌های جنگ قرار دادند.

کانون‌های استقلال‌طلبی

یکی از جلوه‌های این جریان در تاریخ شکل‌گیری نهضت عدالت‌طلبانه سردبازان در سبزوار و صفویه در تیزیز بود که دومی منجر به شکل‌گیری دوران جدیدی در ایران یعنی شکل‌گیری ایران شیعی شد.